

معیار تقسیم مسئولیت در فرض تعدد اسباب و تحول آن در حقوق ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۲۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۱۱)

سید حسین صفایی^۱، حسن بادینی^۲، بختیار عباسلو^۳، سعیده صالحی^۴

۱. استاد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات *

۲. دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه تهران

۳. استادیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز

۴. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

چکیده

در فرضی که دو یا چند عامل باعث تحقق خسارت می‌شوند، بحث از نحوه توزیع خسارت و سهم هریک در پرداخت بخشی از آن، یکی از مباحث مهم در حقوق مسئولیت مدنی است. تقسیم مسئولیت در هر حادثه باید بر اساس قواعد حقوقی تعیین شود و قواعد مذکور در حقوق ایران معیارهای تقسیم به تساوی به نسبت تأثیر عمل و تقصیر است. با بررسی منابع مختلف فقهی و توجه به نظریات تحلیلی فقها، می‌توان دریافت که توزیع خسارت بر اساس تساوی اسباب، رویکرد و نظر مشهور است و اگر ایرادات وارد بر معیارهای دیگر را توجه داشته باشیم که آن معیارها ظنی و احتمالی هستند، ارزش معیار تساوی بهتر درک می‌شود. لذا می‌توان گفت که معیار تساوی به عنوان قاعده عمومی در حقوق ایران پذیرفته شده است. پذیرش این قاعده دلایل موجهی دارد؛ مانند سهولت در دادرسی، تعیین میزان تأثیر هریک از عوامل، جلوگیری از اتلاف وقت و اطاله دادرسی، قرابت با هدف مسئولیت مدنی که جبران خسارت زیان دیده است، تأمین عدالت و هم‌خوانی با نظر مشهور فقها و نظام حقوقی ایران. بنابراین معیار دیگری که در ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۵۲۶ قانون جدید مجازات اسلامی پذیرفته شده استثناء بر اصل به شمار می‌آید و فقط در نمونه‌های خاصی قابل اعمال است. لذا اصل تقسیم مسئولیت به طور تساوی است، مگر اینکه ثابت شود که فعل یا تقصیر یکی از افراد مسئول بیشتر یا کمتر از دیگری مؤثر بوده است. همین معنا از ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی جدید استنباط می‌شود. این پژوهش، با بررسی تحلیلی و توصیفی اندیشه‌های حقوقی و مواد قانونی معیار تقسیم مسئولیت مدنی نشان می‌دهد که در حقوق ایران در قانون مجازات اسلامی جدید، از حیث نظری، در نحوه توزیع مسئولیت مدنی در فرض تعدد اسباب تحول یافته است.

کلیدواژه‌گان: معیار تقسیم مسئولیت، تعدد سبب‌ها، تقصیر، تحول حقوق.

مقدمه

بحث جبران خسارات که با عناوین گوناگونی همچون ضمان قهری، مسئولیت مدنی و شبه جرم به آن اشاره می‌شود، یکی از مباحث مهم و پیچیده در حقوق، به ویژه حقوق خصوصی، است. وجود قواعد عام و خاص و متعدد در این بحث باعث پیچیدگی آن از یک سو و میزان ابتلا و فراگیر بودن آن موجب اهمیت این بخش از سوی دیگر شده است. در بسیاری از حوادث، دو یا چند عامل زیانبار دخالت می‌کنند و در مجموع موجب خسارت می‌شوند که در این شرایط، بحث توزیع خسارت یا تقسیم مسئولیت به میان می‌آید. اگر خسارت، ناشی از چند مباشر یا چند سبب یا اجتماع سبب و مباشر باشد، نتیجه به دست آمده را چگونه باید بین اسباب توزیع کرد؟ در این بحث لازم نیست که تنها چند عامل انسانی وجود داشته باشد، بلکه کافی است در کنار عوامل متعدد طبیعی، یک عامل انسانی نیز دخالت کند.

از دیرباز اندیشه‌های حقوقی و فلسفی، در مقام حل معمای تقسیم مسئولیت اسباب متعدد، راهکارهای متعدد و متفاوتی مانند تقسیم مسئولیت بر مبنای تساوی، تقسیم مسئولیت به نسبت تأثیر و به نسبت تقصیر پیشنهاد کرده‌اند که این راهکارها در قانون مجازات اسلامی جدید نیز مطرح شده است. در قانون مجازات اسلامی سابق چند ماده به این موضوع اختصاص داشت. این مواد از لحاظ معیار تقسیم مسئولیت هماهنگ نبودند؛ در نتیجه، در تفسیر آنها اختلاف نظر دیده می‌شد. هدف از این مقاله علاوه بر بررسی تحولات معیار تقسیم مسئولیت مدنی بر اساس تساوی در زمینه نحوه توزیع مسئولیت مدنی در حالات متفاوت (اسباب متعدد، اجتماع سبب و مباشر، و اجتماع مباشر) در قانون مجازات اسلامی جدید، پاسخ به این دو سؤال است: آیا این تحولات در حوزه تقسیم مسئولیت مدنی مفید است؟ آیا این تحولات در قانون مجازات اسلامی جدید در تمامی شرایط با انصاف و عدالت حقوقی منطبق است؟

معیار تقسیم مسئولیت مدنی در قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث مصوب ۱۳۹۵ و قانون جدید مجازات اسلامی تغییراتی داشته است. در ماده ۱۶ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه از نظریه معیار تقصیر پیروی شده است. در ماده مزبور تصریح شده است: «عواملی نظیر نقص راه، نبودن یا نقص علائم رانندگی و نقص تجهیزات مربوط یا عیب ذاتی وسیله نقلیه، یا ایجاد مانع توسط دستگاه‌های اجرایی یا هر شخص حقیقی یا حقوقی دیگر در وقوع حادثه مؤثر بوده است، بیمه‌گر و صندوق پس از پرداخت خسارت

زیان دیده می‌تواند برای بازیافت به نسبت درجه تقصیر که درصد آن در حکم دادگاه مشخص می‌شود، به مسببان ذی‌ربط مراجعه کند». به نظر می‌رسد منظور از درج تقصیر، درصد تأثیر تقصیر هر یک از عوامل باشد. تنها تغییر قانون مزبور که به موضوع مقاله ارتباط دارد، همین ماده است؛ لذا مبحث جداگانه‌ای را به آن اختصاص نداده‌ایم.

قانون مجازات اسلامی رویکردهای متفاوتی در رابطه با معیار تقسیم مسئولیت مدنی اتخاذ کرده است و این رویکردها در قانون جدید مجازات اسلامی سبب تحولاتی شده‌اند. به همین دلیل، در دو مبحث جداگانه، ابتدا به بررسی مسئولیت مدنی ناشی از اجتماع چند مباشر و سپس مسئولیت مدنی ناشی از اسباب متعدد می‌پردازیم.

۱. مسئولیت مدنی ناشی از اجتماع چند مباشر

هرگاه دو یا چند مباشر با یکدیگر در وقوع حادثه‌ای زیانبار دخالت داشته باشند، تعدد مباشرین صورت گرفته است. تعدد مباشرین ممکن است به صورت اجتماع دو یا چند مباشر به نحو مجمل یا اجتماع دو یا چند مباشر به صورت اشتراکی یا با تأثیر جداگانه روی دهد. در ادامه حالت‌های اجتماع مباشرین را در قانون مجازات اسلامی سابق با تحولات جدید قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ مقایسه و در خلال سه بند آنها را تجزیه و تحلیل می‌کنیم.

۱-۱. اجتماع چند مباشر به نحو مجمل

هرگاه علت حادثه زیانبار مباشر واحدی بوده، ولی مردد بین چند شخص باشد، اجتماع چند مباشر به نحو مجمل روی داده است؛ یعنی نسبت به وجود چند عامل در ارتباط با حادثه زیانبار عالم و آگاه باشیم، ولی ندانیم حادثه زیانبار توسط کدام یک از آنها به وجود آمده است؛ برای مثال مشخص شود که عابری به علت برخورد یکی از چند وسیله نقلیه به قتل رسیده، ولی مشخص نشود به واسطه ضربه کدام یک از آنها حادثه ایجاد شده است (عباسلو، ۱۳۹۰: ۹۰). سؤال اساسی در این شرایط تعیین یا تقسیم مسئولیت است. درباره اجتماع چند مباشر در قتل به نحو مجمل در قانون سابق راه‌حل قرعه پذیرفته شده بود که آن را به موارد دیگر نیز بر اساس وحدت ملاک تعمیم می‌دادند؛ ولی در قانون جدید این مبنا تغییر کرده است که آن را بررسی خواهیم کرد.

در حقوق ایران، قانون یا قاعده‌ای که در فرض وجود سبب مجمل درباره مسئولیت مدنی و جبران خسارت زیان‌دیده، به صراحت تعیین تکلیف کند در دست نیست. بعضی از حقوق‌دانان پس از بحث تفصیلی از موضوع و نقد نظرهای مختلف و توجه به ولایت حاکم شرع در فقه، به این نتیجه رسیده‌اند که باید تعیین تکلیف نهایی در مسئله ضمان سبب مجمل را به قاضی حاکم شرع واگذار کرد (صفری، ۱۳۷۹: ۱۸). این نظر قابل ایراد است؛ زیرا در حقوق امروز نمی‌توان به قاضی اختیار داد که به دلخواه حکم صادر کند. دادن اختیار مطلق به قاضی موجب هرج و مرج و بی‌عدالتی و تشتت آراء خواهد شد. قاضی برابر اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی، باید مطابق قوانین مدون حکم صادر کند و اگر حکمی را در قوانین مدون نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی، فتاوی معتبر یا اصول حقوقی حکم قضیه را صادر نماید. وظیفه استادان و صاحب‌نظران حقوق هم آن است که با تتبع در منابع فقهی و حقوقی راه‌حلی را که هم عادلانه بوده، هم با اصول فقهی و حقوقی سازگار است در دسترس قضات قرار دهند. بنابراین دادن اختیار مطلق به قضات برای تعیین تکلیف درباره سبب مجمل راه حل مناسبی به نظر نمی‌رسد (صفایی، ۱۳۸۸: ۴۱).

نظریه قرعه درباره سبب مجمل نیز مطرح شده که با حقوق اسلامی سازگار است. قاعده قرعه از قواعد مهم فقهی است که در کتاب‌های قواعد فقه به تفصیل از آن بحث شده و مستند آن آیات و روایات و بنای عقلا و اجماع است. قاعده قرعه در هنگامی که شبهه موضوعی همراه با علم اجمالی وجود داشته باشد، به کار می‌آید؛ یعنی حکم مسئله روشن، ولی موضوع آن مردد باشد و دلیلی بر ترجیح یکی بر دیگری در میان نباشد (موسوی بجنوردی، بی تا: ۵۹).

در قوانین موضوعه نیز قاعده قرعه به کار رفته است؛ برای نمونه ماده ۱۵۶ قانون مدنی درباره استفاده از نهرهای مباح می‌گوید: «هرگاه دو زمین در دو طرف نهر محاذی هم واقع شوند و حق تقدم یکی بر دیگری محرز نباشد و هر دو در یک زمان بخواهند آب ببرند و آب کافی برای هر دو نباشد، باید برای تقدم و تأخر در بردن آب به نسبت حصه قرعه زده و اگر آب کافی برای هر دو باشد، به نسبت حصه تقسیم می‌کنند». ماده ۳۱۹ قانون امور حسبی نیز در تقسیم ترکه، در صورت عدم تراضی ورثه، به قرعه متوسل شده، مقرر می‌دارد: «در صورتی که پس از تعدیل سهام، ورثه به تعدیل حصه تراضی نمایند، سهام آنها به قرعه معین می‌شود».

چنان که ملاحظه می‌شود، در مواد بالا برای حل اختلاف از قرعه استفاده شده است. مهم‌تر از مواد مذکور، ماده ۳۱۵ قانون مجازات اسلامی سابق بود که چنین مقرر داشته بود: «اگر دو نفر متهم به قتل باشند و هر کدام ادعا کنند که دیگری کشته است و علم اجمالی بر وقوع قتل توسط یکی از آن دو نفر باشد و حجت شرعی بر قاتل بودن یکی اقامه نشود و نوبت به دیه برسد، با قید قرعه دیه از یکی از آن دو نفر گرفته می‌شود». در این ماده که مبنای فقهی دارد، تعیین مسئول پرداخت دیه که نوعی جبران خسارت است، از طریق قرعه پذیرفته شده است که از مصادیق سبب مجمل و کاربرد قرعه برای تعیین شخص مسئول است. از آنجا که خصوصیتی در قتل به عنوان علت پرداخت دیه نیست، ماده مزبور به نمونه‌های دیگر سبب مجمل قابل گسترش بود. این نظر به تأیید برخی از استادان حقوق رسیده بود (بهرامی احمدی، ۱۳۸۸: ش ۱۱۱ - ۱۱۰).

اگر حکم مقرر در ماده مذکور طبق قاعده باشد، قابل تعمیم به سایر موارد است و اگر استثناء بر قاعده باشد، قابل تسری به موارد مشابه نیست. هر چند عده‌ای معتقدند با توجه به پذیرش قرعه در موارد مشتبه در حقوق موضوعه، می‌توان از ملاک ماده ۳۱۵ قانون مجازات اسلامی برای احراز استناد عرفی عمل زیانبار به عامل استفاده کرد (باریکلو، ۱۳۹۲: ۱۲۴)، لیکن حکم قانونگذار استثناء است؛ چون اصل بر عدم مسئولیت در صورت عدم احراز رابطه سببیت است. همچنین از شرایطی که در ماده ۳۱۵ ذکر شده به این نکته پی می‌بریم که این مسئله استثناء است، نه اصل.

با اعمال قاعده قرعه شخص مسئول حادثه راحتر می‌توان شناسایی کرد و مشهور نیز گفته‌اند قرعه برای هر امر مشکل است و هر جا به مشکلی برخوردیم - از جمله شناسایی سبب حادثه - قابل اعمال است (شکاری، ۱۳۷۳: ۳۵)؛ ولی باید توجه داشت که قرعه منجر به تحمیل کامل مسئولیت به یک شخص می‌شود که ممکن است هیچ دخالتی در فعل حادثه زیانبار نداشته است. هر چند در تقسیم مسئولیت به تساوی هم بی‌عدالتی به چشم می‌خورد، ولی به نظر می‌رسد در قرعه ناعدالتی بیشتری رخ می‌دهد.

با توجه به اینکه از طرفی حادثه زیانبار مشترکاً روی داده و از طرف دیگر امکان ترجیح یکی بر دیگری نیست، برای آنها مسئولیت تضامنی پیشنهاد شده است. در مسئولیت تضامنی زیان‌دیده می‌تواند به هریک از مباشران برای جبران کل خسارت رجوع کند (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۵: ۲۲۴). قابل ذکر است که مسئولیت تضامنی، به سود زیان‌دیده، ولی خلاف اصل است و باید به موارد

استثنایی محدود شود؛ زیرا اصل آن است که هر کس باید مسئولیت ناشی از عمل یا تقصیر خویش را به دوش کشد و به اندازه زینانی که به دیگری وارد کرده است، مسئول باشد (صفایی، ۱۳۸۸: ۳۳). با توجه به اینکه تحمیل مسئولیت به یک نفر از طریق قرعه ترجیح بلا مرجح است و مسئولیت تضامنی خلاف اصل بوده، فقط در شرایط خاص و صرفاً در صورتی که حادثه زینانبار به نحو مستقل به عوامل متعدد قابل انتساب باشد، می‌تواند جاری شود، بنابراین بهترین راه حل، توزیع مسئولیت به نحو تساوی است (عباسلو، ۱۳۹۰: ۱۰۰).

بر همین اساس با تصویب قانون مجازات اسلامی در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۱ قانونگذار از راه حل قرعه دست کشیده و در مسئله سبب مجمل سه راه حل متفاوت ارائه کرده است. از مواد ۴۷۷ و ۴۷۹ قانون مجازات اسلامی جدید چنین استنباط می‌شود که قانونگذار میان دو حالت تفاوت قائل شده است؛ ۱. گاهی یک عمل رخ داده و نمی‌دانیم آن فعل زینانبار توسط کدام یک از دو یا چند نفر معین انجام شده است. ۲. گاهی عده‌ای در انجام فعل شرکت داشته‌اند و رفتار عده‌ای موجب ضرر شده است و در عین حال نمی‌دانیم ضرر با فعل کدام یک رابطه سببیت دارد. در حالت دوم ماده ۴۷۹ مقرر می‌دارد: «هرگاه کسی در اثر رفتار عده‌ای کشته یا مصدوم شود و جنایت، مستند به برخی از رفتارها باشد و مرتکب هر رفتار مشخص نباشد، همه آنها باید دیه نفس یا دیه صدمات را به طور مساوی بپردازند». در حالت اول قانونگذار میان حالتی که منشأ علم اجمالی، اقرار اطراف علم اجمالی باشد یا دلیل دیگر، تفاوت گذارده و مقرر داشته: «هرگاه منشأ علم اجمالی، اقرار متهمان باشد، حسب مورد اولیای دم یا مجنی علیه مخیرند برای دریافت دیه به هر یک از متهمان مراجعه کنند و در این امر تفاوتی بین جنایت عمدی و غیر عمدی و قتل و غیر قتل نیست» (تبصره ماده ۴۷۷ قانون مجازات اسلامی جدید)؛ اما اگر منشأ علم اجمالی اقرار نباشد، متضرر می‌تواند از اطراف علم اجمالی مطالبه سوگند کند؛ اگر همگی سوگند یاد کنند در قتل، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود و در غیر قتل دیه به نسبت مساوی تقسیم می‌شود (ماده ۴۷۷ قانون مجازات اسلامی جدید). اگر همه یا برخی از اطراف علم اجمالی از اتیان سوگند امتناع کنند، دیه به طور مساوی بر عهده امتناع کنندگان خواهد بود و اگر امتناع کننده یک نفر باشد وی به تنهایی عهده‌دار پرداخت دیه خواهد بود (ماده ۴۷۸ قانون جدید مجازات اسلامی). بدین ترتیب قانونگذار برای مسئله سبب مجمل چند راه حل متفاوت (تقسیم به تساوی، انتخاب یکی از اطراف علم اجمالی با نظر صاحب حق و پرداخت از بیت‌المال) را ارائه نموده است.

شایان ذکر است که در مصوبه اولیه کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی راه حل تقسیم به تساوی و تخیر در فرض اقرار میان اطراف علم اجمالی در همه موارد انتخاب شده بود که با ایراد شورای نگهبان منجر به وضعیت فعلی شد. البته راه حل های مختلف فوق درباره خسارت های بدنی است و درباره خسارت های مادی قانونگذار تصریحی ننموده است و باید از مواد قانونی وحدت ملاک گرفت. البته چون پرداخت از بیت المال خلاف اصل است، این راه حل قابل تسری به خسارات مادی نیست و تنها دو حل تخیر - در صورتی که علم اجمالی مستند به اقرار اطراف علم اجمالی باشد - و تقسیم به تساوی میان اطراف علم اجمالی قابل اعمال خواهد بود. شاید با توجه به مواد فوق بتوان گفت در علم اجمالی قاعده کلی تقسیم به تساوی مسئولیت بین اطراف علم اجمالی است و قواعد دیگر جنبه استثنایی دارد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۵: ۲۲۷).

با وجود این، به نظر می رسد برابر ماده ۲۱ قانون بیمه اجباری شخص ثالث، درباره زیان های بدنی ناشی از حوادث رانندگی وسایل نقلیه زمینی، اگر وسیله نقلیه بیمه نشده و مسبب حادثه هم شناخته نشده باشد - که می تواند از مصادیق سبب مجمل باشد - صندوق تأمین خسارت های بدنی مسئول جبران خسارت های وارد شده خواهد بود.

همچنین در ارتباط با موارد علم اجمالی به انتساب در جنایت بر اساس ماده ۴۸۲ قانون مزبور «در موارد علم اجمالی به انتساب جنایت به یکی از دو یا چند نفر و عدم امکان تعیین مرتکب، چنانچه جنایت عمدی باشد، قصاص ساقط و حکم به پرداخت دیه می شود». در این ماده اجمال در انتساب پیش بینی شده است. همچنین در حالتی که شخصی شلیک کند و نمی دانیم الف یا ب شلیک کرده است، قسمت اخیر این ماده بیان می کند: «شرکت در جنایت است و در نهایت نتیجه اش تساوی در مسئولیت مدنی می باشد». به نظر می رسد تساوی منطقی تر و عادلانه تر از قرعه و تضامن است و همین راه حل را برای این ماده در نظر می گیریم. متأسفانه در قانون جدید، نحوه تقسیم دیه در بین عده ای که در قتل مشارکت کرده اند معین نشده است و این از ایرادات ماده مزبور است.

۱-۲. فرض اجتماع چند مباشر به صورت اشتراکی

اگر چند مباشر در عرض یکدیگر قرار گیرند و مشترکاً موجب تلف مال دیگری شوند، به نسبت مساوی مسئول اند؛ بنابراین وقتی چند نفر مباشر باشند به نحوی که عمل منسوب به آنها باشد و همه آنها فاعل تلقی شوند، ضمان به نسبت مساوی بین آنها تقسیم می شود (محمد الهیبی، ۲۰۰۴: ۸۲) در

این مورد دو یا چند مباشر مشترکاً فعل مثبتی انجام داده‌اند که بلا واسطه موجب خسارت زیان‌دیده شده است. ماده ۳۳۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ در ارتباط با همین موضوع بود. نظریه‌ای که در قوانین ایران بیشتر پذیرفته شده و می‌توان آن را یک قاعده عام به شمار آورد، نظریه تقسیم به تساوی است. این نظریه در موادی از قانون پیشین مجازات اسلامی منعکس شده بود.

ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی نیز مانند ماده ۳۶۵ قانون پیشین اصل تساوی را به طور عام در مواردی که دو یا چند نفر به نحو شرکت سبب وقوع خسارت شوند، مقرر نموده است. ماده ۵۲۶ قانون جدید پس از اعلام اصل تقسیم به تساوی استثنایی بر آن وارد و به عنوان قاعده ثانوی به قاعده تقسیم به نسبت تأثیر میزان عمل اشاره کرده است. این ماده چنین مقرر می‌کند: «هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می‌باشند، مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هریک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیرممیز یا مجنون و مانند آنها باشد فقط سبب، ضامن است».

در ماده ۳۳۵ قانون مدنی درباره وسایل نقلیه فقط به مواردی که یکی از دو نفر یا هر دو مقصر باشند، اشاره شده است. ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی جدید، به پیروی از فقه، به طور مطلق رانندگان وسایل نقلیه را مسئول شناخته است که شامل حالتی هم می‌شود که هیچ‌یک از آنها مقصر نباشند. در این فرض هر دو، ضامن به شمار می‌آیند. درست است که این مواد ناظر به وسایل نقلیه است، ولی خصوصیتی در وسیله نقلیه نیست و می‌توان این قاعده را به موارد دیگر مداخله سبب‌ها گسترش داد و یک قاعده عمومی از آنها به دست آورد؛ چنان‌که همین معنی از فتاوی فقهای امامیه و ماده ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی جدید قابل استنباط است (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۵: ۲۲۳).

برابر نظریه تساوی، مسئولیت باید به تساوی بین افراد مسئول تقسیم شود و هریک باید سهم مساوی در جبران خسارت داشته باشد؛ زیرا فرض این است که چند نفر در ایجاد یک حادثه و ایراد خسارت نقش داشته‌اند و ضرر ناشی از عمل مشترک آنان است و نباید مسئولیت مشترک را تجزیه کرد. وانگهی نظریه مزبور از این جهت که ضامن دو طرف را به طور قاطع تعیین می‌کند و آن را به نظر قاضی واگذار نمی‌کند و نیز مسئولیت مدنی را مجازات تقصیر نمی‌داند و با فقه اسلامی نیز

سازگار است، بر نظریه‌های دیگر برتری دارد. ماده ۵۳۳ و ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی بر مبنای همین نظر قرار دارند.

ماده ۵۲۷ قانون جدید جایگزین ماده ۳۳۴ و ۳۳۵ قانون مجازات اسلامی سابق و ماده ۵۲۸ قانون جدید جایگزین ماده ۳۳۶ قانون سابق شده است. مطابق ماده ۵۲۷: «هرگاه دو نفر بر اثر برخورد بی‌واسطه با یکدیگر کشته شوند یا آسیب ببینند، چنانچه میزان تأثیر آنها در برخورد، مساوی باشد در مورد جنایت شبه عمدی نصف دیه هر کدام از مال دیگری و در مورد خطای محض نصف دیه هر کدام به وسیله عاقله دیگری پرداخت می‌شود و اگر تنها یکی از آنها کشته شود یا آسیب ببیند، حسب مورد عاقله یا خود مرتکب، نصف دیه را باید به مجنی علیه یا اولیای دم او پردازند». برابر با این ماده، چنانچه میزان تأثیر دو نفر در برخورد مساوی باشد، دو حالت قابل تصور است: ۱. در نتیجه تصادم یکی از دو نفر کشته شده باشد: در این صورت جنایت شبه‌عمدی خواهد بود که نصف دیه هر کدام از مال دیگری پرداخت خواهد شد. ۲. تصادم خطای محض از هر دو طرف باشد: در این حالت نصف دیه هر کدام وسیله عاقله دیگری پرداخت می‌شود. همچنین اگر فقط یکی از آنها کشته شود یا آسیب ببیند، حسب مورد عاقله یا خود مرتکب، نصف دیه را باید به مجنی علیه یا اولیای دم او پردازند. در ماده ۵۲۷ در صورت تقصیر، خسارت به تساوی تقسیم می‌شود و شدت و ضعف تقصیر مهم نیست؛ برای مثال اگر یکی از طرفین ۹۹ درصد مقصر باشد و دیگری یک درصد باز هم خسارت نصف می‌شود (گلدوزیان، ۱۳۹۳: ۳۸۷).

از جمع مواد ۵۲۶، ۵۲۸، ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی، چنین برمی‌آید که امروزه اصل تقسیم مسئولیت به تساوی در تصادم وسایل نقلیه و به طور عام در کلیه مواردی که خسارت مستند به دو یا چند شخص باشد، باید رعایت می‌شود؛ مگر اینکه ثابت شود که تأثیر رفتار عاملان خسارت متفاوت بوده که در این صورت هر یک به میزان تأثیر عمل خود مسئول است. این راه‌حلی معقول و منطقی است که هم کار قاضی را با اعمال اصل تساوی آسان می‌کند و هم در راستای اجرای عدالت و انصاف، در صورت اثبات تفاوت تأثیر عمل، هریک را فقط به نسبت تأثیر عمل خودش مسئول می‌شناسد و بار هیچ‌یک را بر دوش دیگری نمی‌گذارد. این کار با آیه شریفه «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى»^۱ نیز هماهنگ است. در عمل، کارشناس تعیین می‌کند که در تصادم وسایل نقلیه تقصیر

هر طرف تا چه حد در حادثه و ایراد خسارت مؤثر بوده است؛ چنان که در پرونده ۸۲/۲۶۵۹ شعبه پنجم دیوان عالی کشور، کارشناسان یک راننده را ۸۰٪ و راننده دیگر را ۲۰٪ مقصر تشخیص داده بودند؛ ولی در پرونده ۷۲۶/۲۳ شعبه بیست و هفتم دیوان عالی کشور، رانندگان به نسبت ۸۵٪ و ۱۵٪ مقصر شناخته شده بودند. قابل ذکر است که در پرونده‌های یاد شده و به طور کلی در رویه معمول تصادم وسایل نقلیه، نسبت تقصیر رانندگان تعیین می‌شود، ولی مقصود تقسیم مسئولیت به نسبت شدت و ضعف تقصیر که یکی از نظریه‌های مطرح شده در این زمینه است، نیست؛ بلکه مقصود این است که تقسیم مسئولیت به نسبت میزان تأثیر رفتار عاملان خسارت باید تعیین شود تا هریک به نسبت تأثیر تقصیر خود به پرداخت خسارت محکوم گردد؛ چنان که ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی جدید به این نکته اشاره کرده است (صفایی، ۱۳۹۲: ۳۵).

با توجه به مطالب بیان شده و ماده ۳۳۵ قانون قدیم و مواد ۵۲۷ و ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی جدید به نظر می‌رسد قانونگذار نظریه تساوی را ترجیح می‌دهد؛ اما بر اساس مفهوم صدر ماده ۵۲۷ قانون جدید و قسمت اخیر ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی نحوه مداخله اسباب در میزان مسئولیت در صورت اثبات تفاوت مؤثر است؛ یعنی هرچه تأثیر مداخله اسباب بیشتر باشد میزان مسئولیت نیز بیشتر است. در حالی که، مواد ۵۲۷ و ۵۲۸ اصل تساوی را بیان می‌کنند. متأسفانه این از ایرادات قانون جدید است که در یک جا اصل تساوی و در یک جا اصل به نسبت تقصیر یا تأثیر را می‌گوید.

به نظر می‌رسد به جز موارد استثنائی، اصل بر عدم تضامن است. همچنین در صورتی که دلیلی بر ترجیح یکی از اسباب وجود نداشته باشد، اصل بر تساوی مسئولیت خواهد بود؛ اما چنانچه بتوان میزان مداخله متفاوت اسباب را تعیین کرد، منطقی و انصاف حکم می‌کند که هر سبب مسئولیتی متناسب با دخالت خود را بر دوش کشد. برای رفع تعارض ظاهری بین دو ماده می‌توان گفت که اصل بر تساوی است، مگر اینکه تفاوت میزان مداخله به اثبات برسد. بنابراین در حقوق ایران با توجه به قوانین مختلف می‌توان گفت که قاعده عمومی تقسیم مسئولیت به طور تساوی است و به دیگر سخن معیار تساوی به عنوان قاعده عمومی در حقوق ایران پذیرفته شده که دارای دلایل موجهی است. بنابراین معیار دیگری که در ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی جدید پذیرفته شده استثناء بر اصل به شمار می‌آید و فقط در موارد خاصی قابل اعمال است.

با وجود این، از آنجا که تقسیم مسئولیت بر اساس میزان مداخله یا تأثیر عملی منطقی و عادلانه‌تر به نظر می‌رسد، می‌توان برای آن نیز محلی قائل شد؛ بدین معنی که اگر یکی از طرفین ثابت کند

که میزان تأثیر عمل یکی در ورود خسارت، بیشتر یا کمتر از عمل دیگری بوده است، هر یک مسئول جبران خسارت به میزان تأثیر عمل خود هستند. همین معنا از ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی جدید استنباط می‌شود. (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۵: ۲۳۷).

۲. مسئولیت مدنی ناشی از اسباب متعدد

در حالتی که چند سبب در ورود خسارت دخالت دارند، پیچیدگی بیشتر است. قرار گرفتن چند سبب ممکن است به صورت عرضی یا طولی باشد. مسئله مهم در این گفتار، بررسی نحوه تقسیم مسئولیت در مواردی است که چند سبب مسئول جبران خسارت است. در این گفتار، مطالب را در دو بند با عنوان‌های اجتماع چند سبب در عرض یکدیگر و اجتماع سبب و مباشر بررسی خواهیم کرد. به دلیل آنکه قانون مجازات نسبت به مقررات قبلی در خصوص مسئولیت اسباب متعدد، تغییراتی داشته، لازم است بین مواد قبلی و جدید، مقایسه‌ای صورت گیرد و تفسیر مناسبی از آنها برای درک هر چه بهتر مطلب ارائه شود.

۲-۱. مسئولیت مدنی در قانون مجازات جدید از نظر اجتماع چند سبب در عرض یکدیگر

قرار گرفتن چند سبب کنار یکدیگر ممکن است به صورت عرضی باشد. مقصود از اسباب عرضی، آن است که چند سبب و عامل به طور عرضی و هم زمان در ورود خسارت، دخالت دارند. قانونگذار به تبعیت از ماده ۳۶۵ قانون پیشین مجازات اسلامی بر اساس نظریه حالت اجتماع عرضی اسباب وقوع جنایت، حکمی بدین نحو در ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی حاضر کرده است. ماده ۵۳۳ در وهله اول قانون تساوی را بیان کرده است. لازمه تساوی اسباب متعدد آن است که خسارت به تمام اسباب مستند باشد. بنابراین عواملی که در زمره شروط و مقدمات باشند، مسئولیتی نخواهند داشت. همچنین در این ماده از عبارت «به نحو شرکت» استفاده شده که بر اساس این، حکم مقنن ناظر به اسباب متعدد عرضی است که به طور همزمان خسارتی را به بار آورده‌اند.

نکته مهم دیگر اینکه هر چند حکم مقنن برای تسهیل دادرسی مفید است، ولی با مبانی کلی پذیرفته شده توسط مقنن درباره تجزیه سببیت و توزیع خسارت منافات دارد. در ماده ۵۲۷ همین قانون، درباره بی‌واسطه دو نفر و کشته شدن آنها، معیار مسئولیت به میزان تأثیر پذیرفته شده است و جمع مواد ۵۲۷ و ۵۳۳ به راحتی میسر نیست. همین مسئله از ایرادات قانون جدید است که بین مواد

آن تعارض وجود دارد و برای رفع این تعارض همان‌طور که در خلال مطالب قبل اشاره نمودیم، اصل بر تساوی است، مگر اینکه تفاوت میزان مداخله به اثبات برسد. با وجود این، قانون مجازات اسلامی ماده ۳۶۵ را به گونه‌ای تنظیم کرده است که تداخل اسباب باعث اشتراک در مسئولیت شوند نه تضامن.

در مسئولیت کیفی درجه تقصیر اهمیت دارد. تقصیر امری ذهنی و شخصی است که میزان مجازات و مسئولیت بر مبنای آن تعیین می‌شود و اصل فردی کردن مجازات مبتنی بر همین امر است. در مقابل، در مسئولیت مدنی به جبران خسارت توجه می‌شود، بدون اینکه درجه تقصیر در میزان مسئولیت به حساب آید و ممکن است از تقصیر کوچک خسارت عمده به بار آید و حقوق مسئولیت مدنی هیچ تردیدی در جبران تمام خسارت ندارد. برخی از نویسندگان (خدابخشی، ۱۳۸۸: ۱۶۸-۱۷۱) با تأکید بر این تفاوت‌ها بین مسئولیت کیفی و مسئولیت مدنی نتیجه گرفته‌اند که راهکار تساوی مسئولیت اقوی است. این سخن درباره ترجیح نظریه تساوی مسئولیت بر تقسیم به نسبت تقصیر شاید قابل توجه باشد، اما نافی نظریه تقسیم به نسبت درجه تأثیر در زیان در صورت اثبات تفاوت در تأثیر نیست. نظریه اخیر با نظریه قابلیت تجزیه رابطه سببیت و به تبع آن توزیع ضمان، انطباق بیشتری دارد و به عدالت و بنای عقلاً نزدیک‌تر است.

در حقوق ایران، برخی به استناد این منطق حقوقی که هر سبب در تأثیرگذاری اسباب دیگر نقش داشته و با وحدت ملاک از پاره‌ای مواد قانونی درباره غضب و ضمان ید و ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی، مسئولیت تضامنی مسئولان متعدد را در برابر زیان‌دیده پذیرفته‌اند. در مقابل، برخی دیگر با توجه به استثنائی بودن تضامن، معتقدند مسئولیت میان اسباب متعدد تقسیم می‌شود، به علاوه باید گفت اصولاً تعهد به اعتبار اطراف آن، اعم از طلبکاران و بدهکاران، قابل تجزیه است و عدم تجزیه و تضامن نیاز به دلیل قانونی یا قراردادی دارد. مضافاً اینکه فرض می‌شود تمام اسباب من حیث المجموع سبب خسارت بوده‌اند و هر چند یک سبب به تنهایی مؤثر در وقوع زیان است، اما به تنهایی سبب کل خسارت تلقی نمی‌شود (صادقی، ۱۳۸۷: ۲۳). در قانون جدید نیز قانونگذار با پذیرش تقسیم مسئولیت اسباب متعدد در مشارکت عرضی چند سبب در ورود خسارت (ماده ۵۳۳) از نظریه سببیت جزئی تبعیت کرده است. این ماده مستند به فتاوی فقهای امامیه است (خویی، ۱۳۹۶: ۲۵۵). ماده ۵۲۸ قانون نیز که مبنای فقهی دارد مبتنی بر همین نظریه است (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۵:

۲۳۶). بنابراین ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی و مواد قانونی راجع به غضب، استثناء بر اصل تلقی می‌شوند.

۲-۲. مسئولیت مدنی ناشی از اجتماع سبب و مباشر در قانون مجازات

اجتماع سبب و مباشر یکی از مصادیق اجتماع اسباب طولی است که به دلیل اهمیت فراوان، آن را جداگانه بررسی می‌کنیم. در حقوق ما، قاعده کلی این است که مسئولیت ناشی از تقصیر است و مسئولیت بدون تقصیر استثنای بر آن. هنگامی که تقصیر شرط ایجاد مسئولیت نیست، رابطه سببیت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. به سخن دیگر، اثبات ورود ضرر به زیان‌دیده، همچنین ارتکاب تقصیر یا وقوع فعل از طرف خواننده یا کسانی که مسئولیت اعمال آنان با او است، به تنهایی دعوی خسارت را توجیه نمی‌کند، بلکه باید احراز شود که بین دو عامل ضرر و فعل زیانبار، رابطه سببیت عرفی وجود دارد؛ یعنی ضرر از آن فعل ناشی شده است (قاسمی، ۱۳۹۲: ۱۲۸).

گاهی تقصیر شخص مبنای مسئولیت است و گاهی نیز به‌رغم عدم وجود خطا و تقصیر، مباشری که سبب خسارت‌های وارد شده بوده، ضامن آن است. قانون مجازات اسلامی جدید در مواد ۵۲۶ و ۵۲۷ ضمن پذیرش قاعده لزوم استناد و انتساب عرفی ضرر به عمل مرتکب و متمایز کردن سه فرض اجتماع سبب و مباشر، اجتماع چند سبب عرضی و اجتماع چند سبب طولی، درباره راهکارهای ضمان عاملی که زیان مستند به فعل او است، حسب مورد مسئولیت به میزان تأثیر در ضرر و مسئولیت مساوی اسباب متعدد را پذیرفته است. ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی جدید برخلاف ظاهر قانون پیشین مجازات اسلامی (ماده ۳۶۳) و قانون مدنی (ماده ۳۳۲)، اشتراک مسئولیت در مباشر و سبب را پذیرفته و از این جهت مواد اخیر را تکمیل کرده است (ره‌پیک، ۱۳۹۳: ۱۷۹).

همچنین می‌توان گفت مواد ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی پیشین و ماده ۳۲۲ قانون مدنی تعارضی با ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی جدید ندارد؛ زیرا مواد مزبور ناظر به موردی است که ضرر فقط مستند به مباشر باشد نه سبب. می‌توان گفت دو ماده مزبور نوعی اماره قانونی است که خلاف آن قابل اثبات است.

قانون‌گذار سال ۱۳۹۲ برخلاف قانون پیشین مجازات اسلامی، به جهت آنکه برخی از فقها مانند صاحب ریاض بر این قاعده تشکیک کرده‌اند در ماده ۵۲۶ در بحث اجتماع سبب و مباشر قاعده دیگری آورده است. اکنون قانون‌گذار در تدوین ماده ۵۲۶ بدون اینکه قاعده معروف فقهی (در

صورت اجتماع مباشر و سبب مباشر ضامن است) را ذکر کند، به شیوه خاصی عبارات این ماده را بیان کرده است و در نهایت با رعایت شرایطی که در قسمت اخیر این ماده ذکر نموده، سبب را ضامن معرفی کرده است (ولیدی، ۱۳۹۲: ۷۱۶). این ماده نسبت به گذشته دو تغییر مهم کرده است:

۱. مسئولیت مشترک و مساوی سبب و مباشر را پذیرفته است. ۲. مسئولیت را بر اساس میزان تأثیر رفتار هر یک تقسیم نموده است.

نظریه اشتراک و تقسیم مسئولیت با قواعد کلی و عدالت سازگارتر است که در قانون جدید، به این نکته توجه شده است. ظاهراً تغییرات ماده ۵۲۶ نیز از نظر شورای نگهبان بلامانع بوده و اکنون حکم این ماده بر طبق ماده ۵۲۰ در سه حالت لازم‌الاجرا شده است؛ ۱. هرگاه دو یا چند عامل برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی تأثیر داشته باشند، عاملی که جنات مستند به اوست ضامن است. ۲. چنانچه جنایت مستند به عواملی باشد، به طور مساوی ضامن هستند، مگر اثبات شود که تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت است که در این صورت هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول اند. ۳. در صورتی که مباشر در جنایت بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیرممیز و مانند آنها باشد فقط سبب ضامن است، زیرا در این موارد ضرر عرفاً مستند به سبب است نه مباشر.

همان‌طور که مشاهده می‌کنیم در ماده ۵۲۶ قانون جدید به قاعده تقسیم مسئولیت به نسبت تأثیر نیز اشاره شده است. یکی از اشکالاتی که ممکن است بر قانون جدید وارد شود این است که در بعضی از مواد همانند ۵۲۶ به قاعده تقسیم به نسبت تأثیر اشاره دارد، در حالی که در بعضی از مواد دیگر مثل ۵۲۷، به اصل تساوی اشاره کرده است؛ ولی می‌توان با تفسیر معقول مبنی بر اینکه اصل تساوی قاعده اولی و تقسیم به نسبت تأثیر قاعده‌ای ثانوی و استثناء است و نیاز به اثبات تفاوت تأثیر فعل عاملان متعدد در میزان ضرر دارد، تعارض ظاهری در مواد قانون را حل کرد.

در هر حال، از نظر اصولی هم به نظر می‌رسد اشتراک در ضامن، معقول‌تر است؛ زیرا ملاک در این نمونه‌ها رابطه عرفی است و گاهی خسارت، به دو طرف استناد دارد. درباره تراحم مباشر و مسبب، نمونه‌های متعددی در کتب فقهی ذکر شده است؛ برای مثال اگر کسی چاهی حفر کند و روی آن چاه را بپوشاند و شخص دیگری بدون علم به وجود چاه، فرد ثالث (یا مال او) را به چاه اندازد، شخص اول (مسبب) ضامن است؛ زیرا در این صورت، مسبب اقوی از مباشر است. نکته قابل توجه این است که اصولاً علم و جهل در ضامن تأثیری ندارد؛ اما در صورت جهل مباشر، قوت استناد تلف به او در مقابل سبب، کاهش می‌یابد و این امر او را از مسئولیت معاف می‌کند. این حکم

بر اساس نظریه وحدت ضامن، صحیح است؛ اما بر اساس نظریه‌های دیگر ممکن است عالم و جاهل، هر دو ضامن باشند؛ چنان که درباره اتلاف به مباشرت، علم و جهل مؤثر نیست.

نتیجه‌گیری

در ارتباط با اجتماع چند مباشر به صورت اشتراکی در حقوق ایران، قانون مجازات اسلامی سابق نظریه تساوی را پذیرفته بود و در قانون مجازات اسلامی جدید هم نظریه تساوی پذیرفته شده است. بر اساس ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی جدید و قسمت اخیر ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی نحوه مداخله اسباب در میزان مسئولیت مؤثر است؛ یعنی هر چه مداخله و تأثیر اسباب در ایجاد ضرر بیشتر باشد، میزان مسئولیت نیز بیشتر است. یکی از ایرادات قانون جدید این است که در یک جا (مواد ۵۲۷ و ۵۲۸) اصل تساوی را می‌پذیرد و در جای دیگری (قسمت اخیر ماده ۵۲۶) تقسیم مسئولیت بر مبنای میزان تأثیر را. برای رفع این تعارض ظاهری می‌توان گفت که قاعده عمومی تقسیم مسئولیت به طور تساوی است؛ یعنی معیار تساوی به عنوان قاعده عمومی در حقوق ایران پذیرفته شده است دلایل موجهی دارد. بنابراین معیار دیگری که در ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی جدید پذیرفته شده استثناء بر اصل به شمار می‌آید و فقط در شرایط خاصی قابل اعمال است.

از آنجا که تقسیم مسئولیت بر اساس میزان مداخله یا تأثیر عمل منطقی‌تر و عادلانه‌تر به نظر می‌رسد، می‌توان برای آن نیز محلی قائل شد، بدین معنی که اگر یکی از طرفین ثابت کند که میزان تأثیر عمل یکی در ورود خسارت، بیشتر یا کمتر از عمل دیگری بوده است، مسئولیت به نسبت میزان تأثیر عمل تقسیم می‌گردد. همین معنا از ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی جدید استنباط می‌شود.

درباره اجتماع چند مباشر با تأثیر جداگانه نیز ماده ۴۷۹ از جمله ابداعات قانون جدید است. این ماده بیانگر حالت اجمال در میزان تأثیر است و به تساوی در تقسیم مسئولیت حکم می‌کند.

قانونگذار در ارتباط با اسباب متعدد عرضی به همان نظر مشهور فقها پایبند مانده است. در قانون مجازات اسلامی سابق در ماده ۳۶۵، اشتراک در مسئولیت به صورت تساوی پذیرفته شده بود که در قانون جدید در ماده ۵۳۳ نیز همان تساوی را پذیرفته‌اند؛ ولی قسمت آخر ماده ۵۲۶ استثنائی بر آن وارد و قاعده تساوی را تعدیل کرده است. به نظر می‌رسد عادلانه و عقلانی نیست که بگوییم در تعدد اسباب همه سبب‌ها در همه موارد به طور مساوی مسئول هستند. لذا برای تعدیل قاعده تساوی

مقرر شده است که در صورت اثبات تفاوت سبب‌ها در میزان تأثیر در خسارت مسئولیت به نسبت میزان تأثیر عمل تقسیم می‌شود، هرچند که تشخیص این امر دشوار است. این قاعده هم در اسباب طولی و هم در اسباب عرضی در فرضی که ضرر مستند به همه آنها باشد، قابل اعمال است.

در فرضی که چند عامل در وقوع زیان دخالت دارند، اینکه میزان تأثیر آنان چقدر بوده است بر مبنای قواعد ریاضی و منطقی و تجزیه و تحلیل‌های صرفاً مادی تعیین شدنی نیست، بلکه بر مبنای ملاحظات اخلاقی و قواعد انصاف و عدالت معین می‌شود که این امر ایزاری است در دست دادگاه‌ها برای اجرای عدالت. به نظر می‌رسد بر این مبنا نظر کارشناس حکمفرما است و کارشناس سلیقه‌ای با موضوع برخورد می‌کند که روند قابل انتقاد است. با این وصف، این موضوع روشن می‌شود که چرا در حقوق اسلام از همان آغاز تاریخ فقه به تساوی مسئولیت حکم داده‌اند و در قانون مجازات اسلامی ایران نیز بر همان اساس حکم داده شده است و انتقاد دکتربین بر این نظر و پیروی نکردن رویه قضایی از این روش، معقول و منصفانه نیست.

از محتوی مواد ۵۲۶، ۵۲۸، ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، چنین برمی‌آید که امروزه اصل تقسیم مسئولیت به تساوی در تصادم وسایل نقلیه و به طور عام در کلیه مواردی که خسارت مستند به دو یا چند شخص باشد، باید رعایت شود؛ مگر اینکه ثابت شود که تأثیر رفتار عاملان خسارت متفاوت بوده که در این صورت هر یک به میزان تأثیر عمل خود مسئول است. این راه‌حلی معقول و منطقی است که هم کار قاضی را با اعمال اصل تساوی آسان می‌کند و هم در راستای اجرای عدالت و انصاف، در صورت اثبات تفاوت تأثیر عمل، هریک را فقط به نسبت تأثیر عمل خودش مسئول می‌شناسد و بار هیچ‌یک را بر دوش دیگری نمی‌گذارد.

در عمل در تصادم وسایل نقلیه کارشناس تعیین می‌کند که تقصیر هر طرف تا چه حد در حادثه و ایراد خسارت مؤثر بوده است، چنان‌که در پرونده ۸۲/۲۶۵۹ شعبه پنجم دیوان عالی کشور، کارشناسان یک راننده را ۸۰٪ و راننده دیگر را ۲۰٪ مقصر تشخیص داده بودند؛ ولی در پرونده ۷۲۶/۲۳ شعبه بیست و هفتم دیوان عالی کشور، رانندگان به نسبت ۸۵٪ و ۱۵٪ مقصر شناخته شده بودند. قابل ذکر است که در پرونده‌های یاد شده و به طور کلی در رویه معمول تصادم وسایل نقلیه، نسبت تقصیر رانندگان تعیین می‌شود، ولی مقصود تقسیم مسئولیت به نسبت شدت و ضعف تقصیر که یکی از نظریه‌های مطرح شده در این زمینه است، نیست؛ بلکه مقصود این است که تقسیم مسئولیت به نسبت

میزان تأثیر رفتار عاملان خسارت باید تعیین شود تا هریک به نسبت تأثیر تقصیر خود به پرداخت خسارت محکوم گردد؛ چنان که ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی جدید به این نکته اشاره کرده است. رأی وحدت رویه مذکور که در زمان حکومت قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵) صادر شده و با تأیید رأی شعبه ۲۷ دیوان عالی کشور تقسیم مسئولیت به نحو تساوی را، حتی در صورت تفاوت تأثیر تقصیر رانندگان و اثبات آن، پذیرفته بود، در زمان خود درست و منطبق با قانون بوده است. البته رأی مزبور به ماده ۳۳۷ قانون پیشین استناد کرده است که قاعده تساوی را مقرر داشته و نفی اعمال ضابطه دیگر به عنوان استثناء از آن بر نمی آید. ماده ۳۳۶ قانون پیشین که مورد استناد هیئت عمومی واقع نشده بود، گویاتر از ماده ۳۳۷ بوده و نفی نظریه‌های دیگر از آن قابل استنباط است؛ زیرا ماده مزبور پس از اعلام قاعده تساوی در تصادم وسایل نقلیه مقرر کرده بود: «خواه آن دو وسیله از یک نوع باشند یا نباشند و خواه میزان تقصیر آنها مساوی باشد یا متفاوت باشد».

امروزه با توجه به ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی تقسیم به نسبت میزان تأثیر عمل نیز به عنوان استثناء و به تعبیری به عنوان قاعده ثانوی در حقوق ایران پذیرفته شده است؛ از این رو رأی وحدت رویه ۷۱۷ که ناظر به قانون سابق بوده است، امروزه دیگر قابل اعمال نیست. در واقع ضابطه پذیرفته شده در رأی شعبه پنجم تشخیص دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۸۲/۷/۲۸ که بر اساس نظریه کارشناس میزان تأثیر رفتار هریک از رانندگان را مبنای تقسیم مسئولیت قرار داده، امروزه منطبق با موازین قانونی است، هرچند که رأی مزبور در زمان صدور با توجه به قانون پیشین مجازات اسلامی قابل ایراد بود؛ از این رو هیئت عمومی آن را تأیید نکرد.

بنابراین در ادامه پیشنهاد می‌شود:

۱. به نظر می‌رسد بهتر آن است که قانون مجازات اسلامی جدید اصلاح شود و به جای اینکه در برخی مواد تقسیم مسئولیت بر اساس تساوی یا به نسبت تأثیر و... را مقرر نماید، قاعده‌ای واحد انتخاب شود و سعی شود که بین مواد قانون مجازات اسلامی جدید و قوانین دیگر ارتباط منطقی وجود داشته باشد، نه تعارض.

۲. به نظر می‌رسد مقنن هنوز از اندیشه اختلاط مسئولیت مدنی و کیفری فارغ نشده و موجبات مسئولیت مدنی را در قانون کیفری آورده است. امید است نواقص موجود و تعارضات هرچه زودتر اصلاح شوند.

۳. پیشنهاد می‌شود تفسیر درستی از مواد قانونی، از جمله ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی جدید، ارائه شود. با این تفسیر که اصل بر تساوی است، مگر میزان تأثیر متفاوت باشد، صرف‌نظر از اینکه تحت چه عنوان دخالت دارند.
۴. بحث مسئولیت مدنی و نیز معیارهای تقسیم مسئولیت مدنی در قوانین ایران از هم گسیختگی و بی‌نظمی فراوانی دارد که امید است اصلاح شوند.

منابع

- باریکلو، علیرضا (۱۳۹۲)، مسئولیت مدنی، چاپ چهارم، تهران: نشر میزان.
- خدابخشی، عبدالله (۱۳۸۸)، بیمه و حقوق مسئولیت مدنی، چاپ نخست، تهران: انتشارات روزنامه رسمی کشور.
- ره پیک، حسن (۱۳۹۳)، حقوق مسئولیت مدنی و جبران‌ها، چاپ بیست و دوم، تهران: انتشارات خرسندی.
- صفایی حسین، رحیمی حبیب الله (۱۳۹۵)، مسئولیت مدنی، چاپ نهم، تهران: انتشارات سمت.
- عباسلو، بختیار (۱۳۹۰)، مسئولیت مدنی با نگرش تطبیقی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- قاسمی، ناصر، کار مرزی، عبدالکریم (۱۳۹۲)، مسئولیت آمر و مأمور در حقوق ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۳)، محشای قانون مجازات اسلامی بر مبنای قانون مصوب ۹۲، چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد.
- ولیدی، محمد صالح (۱۳۹۲)، شرح بایسته‌های قانون مجازات اسلامی، چاپ دوم، تهران: انتشارات جنگل.
- شکاری، روشنعلی (۱۳۷۳)، «بحثی پیرامون ماده ۳۱۵ ق.م.اصوب ۷۵»، مجله حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳۳، صص ۳۵-۴۶.
- صادقی، محمود؛ رعدی، کامبیز، عیسائی تفرشی، محمد (۱۳۸۷)، «بررسی فقهی ضمان قهری مسئولان متعدد»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۲، شماره ۳.
- صفایی، حسین (۱۳۹۲)، «ضابطه تقسیم مسئولیت مدنی در فرض تصادم دو وسیله نقلیه، رأی وحدت رویه شماره ۷۱۷ هیئت عمومی دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۹۰/۲/۶ و ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲»، فصلنامه مطالعات آرای قضایی رأی، سال دوم،
- صفری، محسن (۱۳۷۹)، «مسئولیت مدنی سبب مجمل»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۴۹.
- الموسوی خویی، ابوالقاسم (۱۳۹۶ ق) مبانی تکمله المنهاج، جلد ۲، چاپ دوم، قم: دارالهادی.
- محمد الهیسی، صالح احمد (۲۰۰۴)، المباشر و المتسبب فی المسئولیه التصصیریه، عمان: دارالثقافه للنشر و التوزیع.
- موسوی بجنوردی، حسن (بی‌تا)، القواعد الفقهیه، جلد ۴، ۲، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- هرامی احمدی، حمید (۱۳۸۸)، مسئولیت مدنی، تهران: بنیاد حقوقی میزان.